



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۵ - ۳ صفر ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۶۴۸ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سر مقاله
غلامرضا صادقیان | سردبیر

ونس، جنگ، مذاکره و اشتباه احتمالی ایرانیان

گفت‌وگوی اخیر ونس این گمان را در برخی ایرانیان ایجاد کرده که «این یک شکاف بزرگ در امریکا و فرصتی برای دیپلماسی در عین حفظ اقتدار در میدان جنگ است». در این نوشته می‌خواهم بگویم ونس نیز مانند هم‌چیزی‌های خود و مانند حزب دموکرات در مقابل ایران به یک هدف از پیش تعیین‌شده فکر می‌کند و اگر برخی تفاوت‌ها را در روش بپذیریم، این تفاوت‌ها فقط در انواع فایده‌گرایی‌های امریکایی است، نه چیزی که از آن برای ایران آبی گرم شود. بنگریم که حتی دیدگاه ونس یعنی «دیپلماسی همراه با سایه‌ی جنگ و زور» می‌تواند خطرناک‌تر هم باشد.

درک عمیق‌تر نشان می‌دهد سیاست دولت امریکا مقابل ایران دوگانه نیست، «چندلایه» است. لایه‌ی اول مانند جنگ روانی و رسانه‌ای است که ونس در آن نقش اصلی را بازی می‌کند. در لایه‌ی دوم، فشار محدود اقتصادی و نظامی وارد می‌شود، مانند آنچه اکنون در تنگه‌هرمز و حملات نقطه‌ای دیده می‌شود. در لایه‌ی سوم، مذاکرات پشت‌پرده وجود دارد که ونس به آن اشاره می‌کند، ولی جزئیاتش را فاش نمی‌کند تا امریکا بتواند در هر زمان هر ادعایی درباره‌ی نتایج آن داشته باشد. این لایه‌ها شاید گاهی با هم تناقض ظاهری داشته باشند، ولی همگی در خدمت هدف نهایی یعنی مهار کامل ایران است.

ونس با هدف مشخص دو چیز را کنار هم قرار می‌دهد. ابتدا می‌گوید نمی‌توان با کسانی که چند پهباد ارزان را در یک جزیره مخفی و به کشتنی‌ها حمله می‌کنند، تا ابد جنگید زیرا ناخداها می‌توانند از تنگه عبور کنند. سپس می‌گوید «نیروی نظامی یک ابزار است، اما دیپلماسی هم ابزاری دیگر است و من از امریکایی‌ها که می‌گویند نمی‌توانید با ایرانی‌ها مذاکره کنید، بسیار عصبانی‌ام». این دو کنار هم توان فریب هم‌زمان تحلیل‌گران داخل امریکا و داخل ایران را دارد! ایرانی‌ها خواهند گفت ببین! خود ونس نیز به قدرت میدان ایران که می‌تواند به قدرت دیپلماسی ما کمک کند، اعتراف کرد. ولی ونس چنین چیزی نگفته! او بیشتر می‌گوید: «با چند پهباد ارزان می‌توان نظم جهانی را مختل کرد، پس ما ناچاریم با همان نظام حامی ترور یسم پشت میز بنشینیم تا آنها را از این توانایی خلع کنیم!» این یعنی مذاکره‌ای کاملاً نهانجایی برای گرفتن توانایی موجود، نه برای به رسمیت‌شناختن آن!

تحلیلگر امریکایی هم خواهد گفت چقدر منطقی! ونس می‌خواهد با ابزار قدرت دیپلماسی، میدان را از دست ایران خارج کند. ولی واقعیت این است که این سخنان ونس هدفی ثانوی علاوه بر مهار ایران هم دارد، زیرا او یک چهره‌ی بالقوه‌ی انتخاباتی است و نیاز دارد از سوی پایگاه ضد جنگ ترامپ پذیرفته شود و متهم به نرم‌بودن در برابر ایران هم نشود. نباید فریب «تفکیک‌سازی» ونس را خورد. اگر چه ونس از جنگ‌طلبان انتقاد می‌کند، ولی در عمل، رفتار دولت ترامپ که ترکیبی از حملات نظامی، تداوم تحریم‌ها، و شروط غیرقابل قبول است، تفاوت چندانی با آن جنگ‌طلبان ندارد. و این یعنی نباید آمیدی به اختلافات درون امریکایی-اگر اختلافی باشد- برای کاهش فشار بست.

دیپلماسی همراه با زور و سایه‌ی جنگ که حالا ونس نماد آن شده است، در بهترین حالت، به آتش‌بس ناپایدار می‌انجامد، نه به صلح پایدار، چنان‌که در گذشته هم چنین شد. توافق پایدار، نیازمند چیزهای دیگری است که در سخنان ونس اثری از آن دیده نمی‌شود.

کفر امریکایی همیشه اختلافاتی در منافع دارد ولی آنگاه که مقابل ملت‌های دیگر می‌ایستند، وحدتی ایمانی پیدا می‌کنند. بنابراین ونس نمی‌گوید مخالفان توافق در امریکا برخلاف منافع امریکا عمل می‌کنند، بلکه می‌گوید آنها روش اشتباهی برای رسیدن به همان هدف دارند. پس سخنان ونس را باید یک سند سیاسی و تبلیغاتی در نظر گرفت که برای مدیریت افکار عمومی داخلی امریکا و تقویت جایگاه شخصی او طراحی شده نه لزوماً تعیین سیاست خارجی امریکا.

ایران نباید به دنبال شناخت دوست از دشمن در درون نظام سیاسی امریکا باشد. تنها ضامن امنیت ایران، اتکا به توان درون‌زای بازدارندگی است، نه توهم جناح‌های معتدل در امریکا. هر چند پذیرفتنی است که ایران روی شکاف داخلی منافع کوتاه‌مدت امریکا مانند کنترل تورم و قیمت نفت تمرکز کند و آن را اهرمی برای فشار متقابل در یک اقدام مقطعی سازد، اگرچه ناپایدار و کوتاه باشد. دیپلماسی ونس، نوعی اولتیماتوم است. او می‌گوید تأسیسات هسته‌ای را نابود کردیم و حالا باید برویم مذاکره‌ی بلندمدت کنیم. این یعنی تعیین سرنوشت مذاکره قبل از آن! و یعنی مذاکره، ادامه‌ی زور است، نه جایگزین آن! تا ما بخواهیم اصول دیپلماسی بلندمدت امریکایی را هضم کنیم، از هر جهت دچار هزیمت می‌شویم.

پایگاه‌ها، مراکز فرماندهی، رادارها، سامانه‌های پدافندی، سکوهای موشکی هیمارس، اسکله‌های نظامی، انبارهای مهمات، مراکز لجستیکی و محل استقرار جنگنده‌های امریکا در کویت، اردن، بحرین، قطر، عمان، سوریه و عراق هدف حملات موشکی و پهپادی قرار گرفتند

امریکا را در ۷ کشور منطقه فروکوفتیم

یادداشت عباس حاجی‌نجاری
خطای راهبردی ترامپ
و دست‌نشانده‌گانش در منطقه

یادداشت علی‌علوی
جنگ شروع شد و لحاف
تحلیلگران اصلاح‌طلب پهن!

صفحه ۲

ژست دوگانه ونس

معاون رئیس‌جمهور امریکا در برنامه پادکست «تجربه جو روگن» با گرفتن ژست صلح‌جویانه در ظاهر تلاش کرده نشان دهد که واشینگتن به دنبال دخالت در امور داخلی ایران نیست. ونس درباره تغییر رژیم در ایران گفته است: «اگر مردم ایران بخواهند قیام کنند و حکومت‌شان را تغییر دهند، این به خودشان مربوط است و ما ۱۵۰ هزار نیروی زمینی را برای انجام کاری که مردم ایران خودشان باید انجام دهند، اعزام نمی‌کنیم». او همچنین شایعات مربوط به قصد دولت ترامپ برای انتصاب رضا پهلوی به عنوان رهبر جدید ایران را به طور کامل رد کرد | صفحه ۱۵

طرح: AI | حسین کشتکار | جوان

امنیت ملی

در حفظ «ترتیبات ایرانی»

تنگه هرمز است

قالبیاف: سرمان برو، پای قول‌مان هستیم؛ شاه‌رگ‌مان را برای دفاع از این مملکت گرو گذاشته‌ایم

صفحه ۵

اشتباه کردیم در دعوای

لاریجانی-احمدی‌نژاد

طرف لاریجانی را نگرفتیم

صفار هرندی: آرایش کشور شجاعانه است نباید به فرماندهان که شهیدان زنده‌اند ظلم کنیم

صفحه ۵

کفاشیان: علی‌دایی را

احمدی‌نژاد زوری به ما تحمیل کرد

فریدون حسن | دبیر گروه ورزشی

زمانی که بحث آمدن کلمنته به بن‌بست خورد، ما دو گزینه داشتیم، مایلی کهن و قطبی که با قطبی هم تمام کرده بودیم، اما از دفتر آقای علی‌آبادی، رئیس سازمان تربیت بدنی تماس گرفتند و گفتند رئیس‌جمهور گفته باید علی‌دایی سرمربی تیم ملی شود. ما هم مقاومت نکردیم. در واقع فدراسیون هیچ کاره بود | صفحه ۱۳